

قنبر و امام

حکایت شده است که روزی امام علی (ع) به بازار رفت و خادمش قنبر نیز همراهش بود. امام و قنبر در برابر پسری جامه فروش ایستادند. امام که تنها پنج درهم به همراه داشت، به پسرک گفت: «دو جامه به پنج درهم به ما بده»



حکایت شده است که روزی **امام علی (ع)** به بازار رفت و خادمش **قنبر** نیز همراهش بود. **امام و قنبر** در برابر پسری جامه فروش ایستادند. **امام** که تنها پنج درهم به همراه داشت، به پسرک گفت: «دو جامه به پنج درهم به ما بده» پسرک دو جامه به **امام** داد، یکی به بهای سه درهم و دیگری دو درهم. **امام** جامه‌ها را گرفت و لباس گرانتر را به غلامش داد. **قنبر** نپذیرفت و گفت: «ای امام، جامه بهتر را بردار، زیرا تو بر منبر می‌روی و در برابر مردم سخن می‌گویی.» **امام** اصرار داشت که خود جامه ارزانتر را بردارد و لباس گرانتر را به **قنبر** بدهد. از این رو به او فرمود: «تو جوان هستی. وانگهی من از خداوند شرم دارم که خود را بر تو ترجیح دهم.»

منبع: مجله رشد